

گزارش «شهروند» از برگزاری همایش بزرگ بیماران ام. اس و خانواده

ضيافت هزار نفره برای بیماران ام.اس

شهروند از دور هم صداى شان مى أمد، صداى موزيك یهمانان را به هیجان آورده، حتی بارش نرم باران هم آنها را از روی صندلی هایشان بلند نکرد، کسی از پشت بلندگو برایشان می خواند و آنها با دست و لبخند بزرگی که بسه وبریستانی و دو و به به سه سه برر می از صورتشان محونمی شد، همراهی اش می کردند جمع شان جمع بود در همایت بر برزگ ام اس و خانواده هـزار نفری می شدند. آنها یا خودمبتلا بودندیا کسانی که آنها را همراهی ی کرده بودند، همسر، مادر، خواهر، پدر وحتی فرزندشان بودند. تازمانی که روی صندلی های آهنی محوطه باز باشگاه فرهنگی ر کی کرری ورزشی ونک نشسته بودند، فرقی با هم نداشتندامارنگهای پریده و سرهایی که گاهی بدون هیچ ریتمی تکان میخورد، حُکایتُ دیگری(اروایت می کُرد، بیمارُ هستنداماً بعداز ظُهر جِمعه، با همه رنجهایی که داشتند به همایش بزرگ اماس آمدند. برای خیلی هایشـــان ســخت بود که از لابهلای میز و صندلی هایی که روی سنگ فرش محوطه فضّای باز باشگاه بـود، این طرف و آن طـرف روند. برخی که بـاویلچر بودند، همان ابتدای ُمحوطه، کنار اولین صندلی قرار گرفتند و جُلوتر نمی توانستند بروند آنهاهم که واکر وعصاداشتند، در حالی که كسى أنهاراهمراهي مي كردوز يرباز ويشان را كرفته بود ميان

پُدر یا پسُر و برادر یا همسُرشان بودند، آنها را با کودکانشان همراهی کرده بودند. آمارهاهم همین رانشان می دهد، شیوع سری برداری در در میان زنان دو برابر مردان است. آنها همدیگر را می شناختند، هراز گاهی برای هم سری تکان می دادند، سلام می کردنده خیلی هایشان همدیگر رادر کلینیک هادیده - ای ر بودند، در جامعه حمایت از بیماران ام اس در بیمار ســـتان ها، داروخانه ها و .. حالا دیگــر با هم رفاقت دارند. همایش با ورود گروُههای مُوزیکال، حـاُل و هواُی دیگری بـه خُود گُرفُتُ. بازیگران سینماو تلویزیون هم یکی یکی پیدایشان شد،روی سُنرفَتندودقایقی بُرای حاضران در همایش، صحبت کردند. شقایق فراهانی، رضا بنفشه خواه، بهمن دان و... لیلا بلوکات به عنوان سفیر حمایت از بیماران اماس، لوحهای تقدیری به نهاداُد.متخصصان مغز واعصاب هم آمده بودند، پزشکانی که خیلی از حاضران جمع، بیمار دایمیشان هستند. هرچه هوا تاریک تر که می شد، جمع حال دیگری پیدا می کرد. ساعت ۹ بود که روز به نعمتاللهی؛ خواننده، با گروهش وار دمحوطه شد، روى سن رفت وهمه را به هيجان آور د.

جمعیت راهی برای خودشان باز کردند زنان غالب-

بودند، هرچه نگاه می کردی، زن بودند زنانی که مردانی که



حکایت «معصومه» از برق گرفتگی ها

معصومه»، با مادرش آمده بود. شاد بود، می خندید، با جمعیت ت می زد دخترش مراقبش بود، برایش چای می آورد؛ میوه. ۱۵ سالی می شد که بیمار است اسارت ۱ ساله شوهر سابقش، رنج زیادی به او داده بود. همین هاهم شد تا در اولین سال های میانسالی، بیماری گریبانگیرششود. ۴۰سالش بودکه یک روز به طور ناگهانی، ستاد. از نوک پا تا سسینهاش بی حرکت ماند بدنش از حركت ايس هر چـه این در و آن در زدند، کســـی نفهمید ماجرا چی ر بی سرار ص گفتندنوعی سرطان ناشناخته است. ۶ ماه بیماری چیست. آخرش گفتندنوعی سرطان ناشناخته است. ۶ ماه طول کشید تا با ام آر آی مشخص شد، بیماری ام اس است. «بعد از ین کهبیماری تشخیص داده شد، چندماه بیمار ستان بستری شدم، ... کور تون درمانی را شــروع کردم. آن موقع بیماری خیلی پیچید از الان بود، حالا شُـرایط خیلی بهتر شده.» معصومه اما تنها عضو خانواده نیست که به ام اس مبتلاشده در خانوادهاش، چند نفر دیگر هم هستند که بااین بیماری زندگی می کنند، همه هم زنان جوان. دختر جوانش،از اولین روزی که مادرش را با آن حال فلج گونه دید، دیگر نگران است. نه فقط نگران مادر که برای خودش و خواهرش هم مى ترسد. «خيلى مى ترسم ما هم مبتلابشيم.» او از علايم اين

اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید .

بیماری می گوید: «بی حرکتی اندام، اولین مشخصه این ب مادرم بود، حالا ولى كمتر اين اتفاق مى افتداما وقتى مى افتد، مادر م حالش خراب می شود.» این جا معصومه، ادامه حرف های دختر ش رامی گیردو می گویند: «جمله هامثل یک لحظه برق گرفتگی است، بك لحظه تمام بدنم رامي گيردو همان موقع هماز پامي افتم، چند ... ساعتی طول می کشد تا حالم خوب شود. البته قبلش نشانههایی داردمثل سردرد.بعداز آن حالت برق گرفتگی سراغممی آید.»اینها ر کی کر کر بات کی برای کردی کردی کردی کردی ہے ۔۔۔ پ برای مادر میانســـال، رنجآور است. نه فقط خودش که دخترش که با شنیدن این حرف ها، چشمانش می درخشـــداز اشکی که در آن . جمع شده «گاهی وقتها بدن مادرم آن قدر بی حُس می شود که دیگر متوجه گرماهم نمی شود، یک روز در تابستان، آن قدر هواگرم بود که اصلامتوجه نشد که یکی از کفش ها از پایش خارج شده و با پود نه هندر موجه سند به یعنی از عنسی ساز پیش خرجسندوید جوراب راهمیرود این بی حسیی را خیلی از بیماران اماس تجربه می کنند.» دختم، مصومهانینها راهی گویدو ادامه می دهدد: «شر حد در مراسم ختم، فوت کسیی از اقوام یا نزدیکان، ناراحتی ناگهانی، استرس و.. بیماری مادرم را تشدید می کند و معمولا هم همراه با



«تدا»، ۳۵سال دارد، با شال صور تے رنگے ، کنار پدرش نشسته. چادرش را صاف می کند و می گوید: «یک سال است که فهمیدم ام اس دارم. اولش هم بایی حسی پا شروع شد. ۲ ماه طول کشید تا پزشکان مُتوجه شدند بیماری ام چیست تا آن موقع ۹ بار ام آر آی شده. هر بار ۲۰۰، ۳۰۰ هزار تومان پرداخت می کردم. حالااما مى گويندسالى يكبار بايداين كار راانجام دهم.» اين حال بيشتر سی توبیده سعی به براییه بین طرزان به به به بین سان بیستر بیماران اماس است. پروسسهای نه چندان کوتاه برای تشخیص اولیه. ندا معلم قرآن است. حالا تنها کسسی کسه می داند بیمار ر "" است، رئیس همان موسسه است. «دوست ندارم کسی بفهمد» هر چند که اطرافیانم با این که بیماری را نمی شناسـند، واکنش ر چساری را سیام بینی بیداری را می سیاد خاصی نشبان ندادهاند مردم کم کم بیماری را می شناسند.»اواز یکی از برنامههای تلویزیونی گلایه می کنند برنامه ماه عسبل که ظاهرا در سبال گذشته، بیماران اماس را میهمان کرده واز آنها چهره افراد رنجوری را منعکس کرده بود. نـــدا می گوید: «در این پرنامه، بیماران اماس را افراد ناتوان نشـــان داد. همین برنامهها و اطُلاعِرسَانیَهای نادرَسُت ُسببُ می شود تامر دم اطلاعات اشتباهٔ بگیرند و مارا افرادی ببینند که کاری از دستمان ساخته نیست.» ندالمامی داند علت بیماری اش چیست. می گوید به احتمال زیاد، له عصبی که پیش از بیماری داش

تأثیر داشته. «وقتی متوجه شدم بیمارم، به شدت ناراحت شدم.



سماری ام با فلج بل ، هم راه بود ، فلحی که صورت را در گیر می کند. كنم كهبيمارم.»اوهماز حملههايش مي گويد: «وقتي دچار حمله

را ناراحت کرده بود. «کور تون تراپی رااز همان موقع که فهمیدم مبتلا

هم تجربه می کردم.می خواستند مرا در بخش ویژه ام اس بیمارستان

سينابسترى كنندكه بهشدت مخالفت كردم نمى توانستم بيمارى أم سیب بستری عنده حابد در بخش کار گزینی بیمارستان مشغول را قبول کنم، » سعیده حالا در بخش کار گزینی بیمارستان مشغول است. مسئولان محل کارش، به او اجازه ادامه کار در بخش پرستاری

راندادند.سعیده اماحالاخیلی با ۷سال پیش فرق می کند. روحیه اش بهتر شده و امید به زندگی. بیماری نه روی از دواجش تأثیر گذاشته نه

، بر روی بار داری «در تمام دوران بار داری هیچ حملهای نداشته، وقتی هم زایمان کردم، باز هم حالم خوب بود، هنوز ولی به خاطر شیردهی،

مصرف دارورا شروع نکردم» سسعیده می گوید: «۱۷سال پیش پدرم به خاطر سرطان ریه جانش را از دست داد، آن موقع مادرم هم به خاطر

سرطان سینه شیمی درمانی میشد. این موضوع خیلی به من فشار آوردهبود.همین هم سبب شد تامبتلاشوم.»

مى شـوم، يك ليوان راهم نمى توانم از روى ميز بردارم، البته حالا روز در میان داروی رسیژن تزریق مى كندتاحمله هايش كنترل شود.

ماجراى پرستار 34سالهاي كه از بخش پرستاري منتقل شد مارستان بودو أنهابابيمارى أشنا بودنداما واكنش ها، سعيده

محوطه راه می رود. هیچ شباهتی به بیمار ندار د. نه رنگ و رویش پریده ونه حتى در راه رفتن مشكل دارد. صورتش خُندان است. همسرش را نشان مى دهد و مى گويد: «دو سالى است كه از دواج كرديم، همسرم قبل از از دواج در جریان بیماری ام بود، هیچ مشکلی هم نداشت.» سعیده، پرستار است، حالا ولی ۷سال است که دیگر پرستاری نمی کند مسئولان بیمارستان که متوجه بیماری اش شدند، دیگر نىر نشدنداورادر بخش ويژه نگه دارند. جايى كه او سال ها كار كرده «تابستان بود، هوا به شدت گرم و من بی قرار بودم. پدرم را به تازگی از سیستان پود، هو؛ بسترس بوده همان موقع چشم چیمبه به داری بد داری را دست داده، عصبی و براسترس بوده همان موقع چشم چیمبه شدند تار شد، تا جایی که دیگر نتوانستم جایی را ببینیم مرا به بیمارستان فارایی بردند، همان موقع با یک سسے تی اسکن به من گفتند که این بیماری امراس است، من این بیماری را به خوبی می شناختم و این شرایطراسخت ترمی کرد.» بیماری در روحیداش تأثیر بدی گذاشته ود، نگاه همکارانش به او و نوع برخور دشان، او را آزار می داد. با این که

فشارهاي عصبى دردسرساز

«محبوبه»، روی ویلچر، کنار همسرش نشسته. همان جا کنار میزهای ردیف اول سسرش منظم تکان می خورد. چشم راستش نمی بینند. دست هایش روی زانوهایش است. حالا چند سالی سی بیند. میشــود که دیگر نمی تواند بدون ویلچر، تکان بخورد. می گوید ی پاهایم بیحس است. ۱۲ سالی میشــود که مبتلا شده، که حالا۲۵نســاله اســت، علایم اولیه بیماریاش درســـن سایر بیماران است. فشار عصبی زیادی را تحمل کرده و نگران ۴ دخترش است که در خانه هستند. «۳ دخترم راقبل از این که بیمار شـوم، به دنیا آورده بودم، یکی را هم در دوران بیماری. همهشان سالم هستندومشكلي ندارند.» تمام كارهايشان راهم میدهد؛ مردی که کنارش نشسته و همراهیاش کرده به جشن ی بیماران اماس بیاید می گوید: «برای درمان خیلی از عوارض این بیماری از داروهای گیاهی استفاده می کنم، با این داروهاست که بی اختیاری ادرار و یبوستم برطرف شده. از مشکلاتشان می گوید، ز دورهای که دارونداشتند و به سختی آنها را پیدامی کردند.

بانک شــهر با کسب چهار عنوان از جشنواره ستارگان روابط عمومی در جمع ســتارگان روابط عمومی ایران در ســال ۹۳ قرار گرفت. به گزارش مدیریت امور ار تباطات و روابط همزمان ۱۳۷۷ و بند به به را در رود مراه و بای در دولود سوی رفت و به به در این و باید می داد در دورد سوی و مراه همزمان ۱۳۷۱ و با در او باه طویهای باید که با کسب چها عزمان از این تکوانت از روز اطاعهایی که در طرح امایش می تجاه این بر اسال که در جمع کرد کان سازهای و این متابع آن سازه سولیت احتماعی " سازه روز می حاصل در اطاعه میره یا سازه با متابع این استفادی و هدایی اجتماعی داد از در باید که باید از این میان که این می در استفاده این از در باید می در اطاعه میره یا " ستاره رواها عمومی " ستاره رواها میره " ستاره رواها عمومی " ستاره رواها عمومی " ستاره رواها می در استفاده از استفاده این می در استفاد این می در استفاده این در استفاده این می در استفاد این می در استفاده این می در استفاده این می در استفاده این می در استفاده این می در استفاد این می در استفاد

ار من مروط به خور وواطعمومی در قاب مسئولیا جنماعی به عنوان ستار حامی در سال ۴۴ معرفی شد. همچنین دکتر فرشاد فخیمی مدیر امور ارتباطات و روابط عمومی این بانک نیز به دلیل اهتمام ورود در حبایت از دمیریت روابط عمومی داشته و با رسادها و همکاران تعامل و ارتباط مناسبی داشته است، عنوان ستاره مدیر ارشد روابط عمومی را کسب کرد

آكهي مناقصه تعيين ميزان استخراج واقعي معادن

سازمان منعت ، معدن و تجارت استان چهارمحال و بختیاری در آجرای طرح مستند سازی و

ساماندهی فعالیتهای معدنی کشور به شمارهٔ طبقه بندی ۴۰۰۴ و۳۰۴ در نظر دارد عملیات تعیین

میزان استخراج واقعی حدود ۶۵٪ فقره از معادن استان در قالب نقشه برداری توپوگرافی از

معادن که در برگیرنده مناطق عملیات استخراجی و باطله برداری و همچنین تفکیک باطله و ماده

معدنی باشد و ثبت اطلاعات در بانک اطلاعاتی مربوطه را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به

متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند جهت دریافت شرایط و مدارک مربوطه از روز یک شنبه

•۱۹۴/ه۳/۱۱ روز لغایت پنج شنبه۱۴/۱۳/۴ به سازمان صنعت ، معدن و تجارت

استان چهارمحال و بختیاری واقع در شهرگرد - دروازه سامان - مجتمع ادارات دولتی یا به آدرس

اینترنتی www.chb.mimt.gov.lr مراجعه و پیشنهادات خود را تا پآیان ساعت۱۳ روزپنج شنبه

مورخ ۲۱<u>٬۳/۲ در</u> پاکت لاک و مهرشده به دبیرخانه سازمان تسلیم و رسید دریافت نمایند .

بانکشهر برگزیده جشنواره ستارگان روابط عمومی ایران

باسخ روابط عمومي بانك ملى ايران درخصوص كسرآبونمان ارسال بيامك به مشتريان

عمومی در خصوص جزئیات و نحوه کسر مبلغ یادشده مواردی به شرح ذیل اعلام می گردد: مبلغ مزبور از حساب مشتریاتی کسر گردیده است که بر اساس اطلاع رسانی قبلی که طی چندین نوبت از ر از بکتها این سرویس در وسطح عمومی و ووزده بندی و سرویس عمومی بصورت (باکن به هست بریا از آنه گردیده و برای سرویس و برده که شامل ارسال پیامک برای تعلی عملیات بانکی مشتریان می باشد، آبونمان سالانه به مبلغ ۲۰۰۰ ریال در دو نوبت (هر نوبت ۲۰۰۰ ریال) اخذ گردند.

سازمان پارکـها و فضای سیز شهرداری قروین در نظر دارد. تعداد ۱۰ غرفه و زمین تلیس خود به شرح جدول زیر را از طریق مزایده عمومی به صورت لباره واگذار نماید.



، ریال و قیمت کارشناسی چیت اجاره یک ماهه محل میباشد.

میلغ بردسید. برای و فیمت کارشناسی چیت اجازه یک ماهه موتی میاشند. می اماری مراجه نمایند. فیما فرینه درج آگیی به عهده پرنده مزایده بوده و سازمان در رد یا قبول هر یک از پیشانیادت مختلبر می باشد.



	رديف		3
	1		9
غرف	4		30
) É	٣		00000 00000
	3		1
È	٥		980
4	9		1
è	Υ.		
è	A		0801
	٩		08517
	1	Н	3
	100		10.2

پیشنهادات واصله رأس ساعت ۱۰ صبح روزیک شنبه مورخ ۹۴/۰۳/۲۴ در کمیسیون مناقصه واقع در محل سازمان باز و قرانت خواهد شد . حضور کلیه پیشنهاد دهندگان در کمیسیون آزاد

روابط عمومی سازمان صنعت ، معدن و تجارت استان چهارمحال و بختیاری